

متن پرسش

با عرض سلام و خسته نباشید خدمت استاد: از پاسخگویی تان متشکرم (۱) چرا حضرت یوسف در مدت چهل سال هجران پدر که تقریباً پنجاه ساله بودند هیچ سراغی از پدر نگرفتند با آن که از محل سکونت حضرت یعقوب اطلاع داشتند؟ (۲) در خصوص ادعیه‌ی مأثورهی وارده از اهل بیت «علیهم السلام» مثل دعای کمیل یا ندبه و غیره آیا حضرات معصومین هم مثل ما بر تکرار آنان مداومت داشتند (مثلاً خواندن دعای کمیل هر شب جمعه ...)? یا این که آنان تمام گفتارشان ادعیه بود و برای ما تکرار است (۳) آیا بین معرفت النفس و شناخت استعداد حرفه‌ای (به معنی هر شخصی برای انجام کاری ساخته شده مثل استعداد کارهای فنی یا استعداد نقاشی و هنر یا استعداد ادبیات و...) جناب عالی ارتباطی قایل هستید یا خیر؟ توضیح بفرمایید. باتشکر

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱- معلوم نیست از پدرشان سراغ نگرفته باشند، ولی معلوم است که مصلحت نمی‌دانستند خود را در اولین فرصت معرفی نمایند چون کارها در دست برادرانی بوده که آن جنایت را کردند، حضرت سعی کردند شرایط فراهم شود تا کار از دست برادران خارج شود، یکی از آن برنامه‌ها آوردن حضرت بنیامین به مصر بود با آن طراحی دقیقی که انجام دادند ۲- همین‌طور بوده است چون داریم که مثلاً در مناجات شعبانیه مداومت داشته‌اند. زیرا این ادعیه راه معاشقه‌ی بندگان با خداوند است و آن‌ها نیز از این امر استثناء نیستند ۳- معرفت نفس، معرفت به اصل وجود نفس و نسبت آن با خدا است و بحث نظر به استعدادها در حوزه‌ی دیگری مطرح است. موفق باشید